

شناسایی و ارزیابی عملکرد مدیران در توسعه مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای دهستان دولت آباد شهرستان مرند)

ابوالقاسم تقی زادفانید^۱

ساجده دین پرست^۲

سعید نصیری زارع^۳

پارسا پاشایی^۴

چکیده

چالش‌ها و موانع مدیریتی مدیران در مناطق روستایی، یکی از موانع اصلی برای تحقق برنامه‌های توسعه بوده و طبیعتاً شناخت و رفع این موانع می‌تواند به شناخت کمبودهای مناطق روستایی و همچنین به توسعه و آبادانی این مناطق کمک فراوان کند. تحقیق به شناسایی و ارزیابی عملکرد مدیران در توسعه مناطق روستایی دهستان دولت آباد (شهرستان مرند) پرداخت. تحقیق به لحاظ روش کیفی- کمی و بر مبنای هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است. تحقیق رویکرد اکتشافی به شناسایی چالش‌ها و ارزیابی آن به روش‌های کمی داشت. مصاحبه انتخابی، تصادفی و کدگذاری نتایج مصاحبه در MAXQDA، تنظیم پرسشنامه برحسب آن و تحلیل آن در SPSS و LISREL، در سوی دیگر روش‌شناسی تحقیق بود. پایایی پرسشنامه برای ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹۶ به دست آمد، که بیانگر مناسب بودن ابزار تحقیق برای اندازه‌گیری موضوع مورد بررسی است. پرسشنامه به صورت تصادفی در میان جامعه نمونه در ۹ نقطه روستایی توسط ساکنین دهستان دولت آباد توزیع گردید که حجم نمونه برای نواحی روستایی به صورت تناسب و برحسب تعداد خانوارهای روستایی در این نواحی و براساس فرمول کوکران ۲۳۰ خانوار بود. عملکرد مدیران در ناحیه روستایی به ترتیب اهمیت در ۴ بعد اصلی، اداری- سازمانی، کالبدی، اجتماعی و اقتصادی بود. در عامل اداری- سازمانی، معیار تجربه تخصصی و فعالیتی مدیران؛ در عامل کالبدی معیار کلی مقاوم‌سازی مسکن در ناحیه روستایی؛ در عامل اجتماعی معیار ارتباط مؤثر و همکاری میان مدیران و مردم محلی و همچنین در عامل اقتصادی نیز، معیار توجه به منافع اقتصادی روستا، مهمترین معیارها بوده‌اند. به طور کلی یافته‌های تحقیق، ضعف‌های عملکردی برای مدیران مشخص کرد، اما عملکرد آنان در برخی از نواحی، به خصوص کالبدی- فضایی مناسب بوده است. احداث و ایجاد معابر جدید در روستا، بهسازی و نوسازی معابر، ایمن‌سازی واحدهای مسکونی و... از مهمترین فعالیت آنان بوده است.

واژگان کلیدی: توسعه روستایی، مدیریت روستایی، مدیران روستا، دهستان دولت آباد، خدمات رفاهی
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

مناطق روستایی از نظر تعداد جمعیت، کم هستند (Thiede et al, 2017: 11) و پراکندگی و تراکم پایین جمعیت، این مناطق را از شهرهای کوچک مشخص می‌کند (Halseth and Ryser, 2004). در این مناطق توسعه رفاه می‌تواند نقش مهمی در تحقق منافع واقعی روستاییان، کاهش دادن شکاف استانداردهای زندگی روستائیان، تقویت آگاهی روستاییان از حقوق برابر، جذب منابع اجتماعی به روستاهای کشاورزی و کاهش شکاف شهری- روستایی داشته باشد (Kai-ji, 2015: 2). اما برای دست یافتن به این هدف، شناسایی

^۱. استادیار گروه آموزشی جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)

Email : fanid@tabrizu.ac.ir -Tel: 09149161229

^۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشکده برنامه ریزی و علوم محیطی دانشگاه تبریز

^۳. گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی تهران، ایران

^۴. کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه بیرجند

چالش‌ها و موانع توسعه در این نواحی نخستین هدف خواهد بود که یکی از محورهای اساسی، توجه به ضعف‌های مدیریتی و عملکردی مدیران در این جوامع است. امروزه نقش و جایگاه مدیریت، در تمام زمینه‌ها و عرصه‌های زندگی اقتصادی-اجتماعی بشر، بیش از پیش برجسته شده (صیدالی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۰) و آن مهمترین عامل در حیات، رشد، بالندگی و یا مرگ یک جامعه و روند حرکت آن از وضع موجود به سوی وضع مطلوب شناخته شده است (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۸). اثربخشی توسعه در مناطق روستایی به مدیریت مؤثر آن‌ها بستگی دارد (Tomashuk, 2017: 215)، و این در حالی است که توانایی رهبری در روستا، منطبق با انتظارات جامعه، منجر به مدیریت خوب در برنامه‌های روستایی می‌گردد (Teguh and Fitriyah, 2020: 3018).

در ارتباط با مطالعه سیر مدیریت روستایی در طی سه دوره اخیر، آنچه که بیش از همه در مطالعات جلب توجه می‌کند، حذف عنصر مدیریتی بدون جایگزینی مناسب برای مناطق روستایی است. از این روست که با فروپاشی مدیریت سنتی در نگهداری پایدار زندگی و فعالیت در محیط روستایی، نوعی فقدان مدیریت کارآمد فضایی در سطح محلی پدیدار می‌شود که نخستین پیامد آن، بروز ناپایداری منابع محدود محیطی و افول تدریجی یکپارچگی اجتماع روستایی و انسجام اجتماعی-اقتصادی و در حادترین شکل خود، رها نمودن بسیاری از واحدهای سکونتگاهی در نواحی روستایی در طی این دوره‌ها است (سعیدی، ۱۳۸۹: ۱۶۲). اکنون نیز پس از گذشت چند دهه از فعالیت نهادهای مدیریتی در نواحی روستایی، که وظایف آن‌ها برآمده از مبانی اهداف و دیگر سیاست‌های مدیریت روستایی و محلی بوده (حسنلو و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۸)، هنوز مدیران (بخشداری، بنیاد مسکن، دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی) در بسیاری از وظایف و حیطه‌های فعالیتی خود دارای ضعف‌های هستند که همین امر نمود بارز عدم توسعه در برخی از نواحی روستایی است.

عملکرد مطلوب و غایی مدیران به معنی برنامه‌ریزی برای روستا، سازماندهی اقدامات توسعه‌ای و هماهنگی و نظارت بر اقدامات انجام شده می‌باشد به طوری که فرآیند توسعه پایدار روستایی را به نحوی تقویت کنند که در سطح متعارف جامعه، زمینه و محیط مناسبی برای زندگی راحت‌تر و کارآمدتر روستائیان به تناسب ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی و حیات مجدد زندگی جمعیت روستایی کشور فراهم نمایند (استعالاجی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶-۱۵؛ نصیری زارع و ریاحی، ۱۴۰۰: ۲۶۲-۲۶۱). در دهستان دولت آباد از شهرستان مرند، ۹ روستا دارای شورای اسلامی و دهیاری هستند که انتخاب آنان از سوی بخشداری و فعالیت و برنامه‌های آنان در کنار بنیاد مسکن مرکز بخش، موجب انجام برخی از فعالیت‌های اجرایی در این نواحی شده است. بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسایی‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و امور رفاهی روستا و ... از جمله فعالیت‌های مهم مدیران در این نواحی است. با این حال بررسی‌های انجام شده بیانگر برخی از ضعف‌های این مدیران در این نواحی بوده و همین امر موجب برخی از نارضایتی‌های مردم محلی از عملکرد آنان گردیده است. توزیع نامناسب اعتبارات و خدمات روستایی، توجه نداشتن به مشارکت مردم محلی در اجرای برنامه‌ها، اجرای نامناسب طرح‌های و ... موجب توسعه نامتوازن و در نهایت مهاجرت مردم در ناحیه روستایی شده است. تحقیق با این آگاهی ابتدا سعی دارد با مطالعه کیفی، ضعف‌های عملکردی مدیران (بخشداری، بنیاد مسکن، دهیاری و شورای اسلامی) را در توسعه نواحی روستایی از سوی ساکنین شناسایی کند و سپس به صورت کمی به توصیف و بررسی این عوامل بپردازد.

مبانی نظری

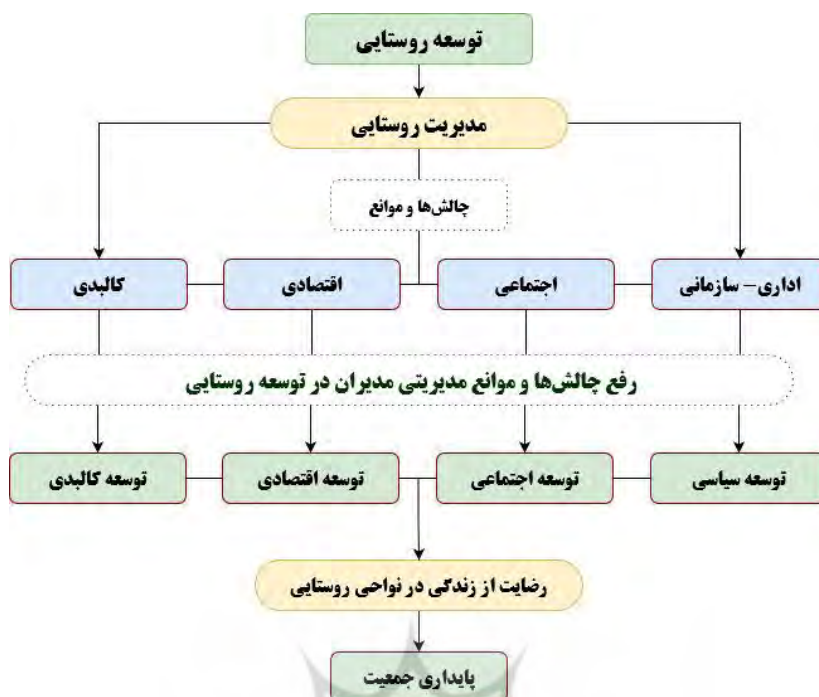
پارادایم مدیریت روستایی در محورهای مدیریت زمین و تولیدات کشاورزی، مدیریت زیرساخت‌ها و خدمات زیربنایی، مدیریت مالی و نظام درآمد هزینه‌ها برای روستاها، مدیریت محیط زیست و توسعه پایدار برای کاهش فقر و برقراری عدالت اجتماعی، قابل بررسی است (عناستانی و حاتمی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۲۴). بررسی جنبه‌های مختلف این محورها، بیان‌کننده جنبه وسیع مدیریت روستایی بوده که شدت و ضعف در عملکرد و اجرای آن گاهی به عنوان راهبرد اساسی در برنامه‌های کلان مطرح بوده است. مدیریت روستایی همزمان با پیدایش اولین روستاها آغاز شده و در طول تاریخ با توجه به مقتضیات اقتصادی، اجتماعی، محیطی، زمانی و مکانی از مکانی به مکان دیگر متفاوت بوده است. این نوع از مدیریت از زمانی که در مناطق روستایی فرآیند سیستماتیک ساختاری حاکم گردید، مفهوم آن جایگاه ویژه‌ای پیدا نمود و به عنوان یک راهبرد در جهت نیل به توسعه روستایی مطرح شد (Sriram, 2007: 3). صاحب‌نظران، اصطلاح مدیریت روستایی را مترادف با توسعه روستایی می‌دانند و حوزه فعالیت مدیریت روستایی را فراتر از محدوده خدماتی و قانونی روستا می‌دانند و علاوه بر حیطه‌ها و وظایف مذکور در چارچوب مکان و مرزبندی‌های مشخص، دامنه فعالیت مدیریت روستایی را پیگیری نظام‌مند تمامی



امور مربوط به روستا مانند کشاورزی، صنایع و خدمات روستایی، محیط زیست، منابع طبیعی و ... تعریف می‌کنند. به اعتقاد این گروه تأمین سطح متعارف شرایط زندگی روستائیان بدون توجه به حوزه‌های مذکور به ویژه در مسائل مربوط به بخش کشاورزی و صنایع روستایی، امکان‌پذیر نیست. دیدگاه اول روستا را مکانی جمعیتی مانند شهر می‌داند و وظایف مدیر روستا را نظیر وظایف شهر (شهردار) می‌انگارد و دیدگاه دوم از زاویه دیگری به روستا فراتر از جغرافیا می‌نگرد و نقش و جایگاه کلی روستا در برنامه‌های توسعه کشور را پیگیری می‌کند. بنابراین مدیریت روستایی از ارکان اصلی و جدانشدنی توسعه روستایی بوده که می‌بایست سبب کاهش مهاجرت، اشکاف اقتصادی - اجتماعی بین شهر و روستا، توسعه کشاورزی، گسترش فرهنگ خودباوری، توانمندسازی ظرفیت و کاهش فقر روستایی گردد (Wenchan, 2008: 4).

ساختار اداره نواحی روستایی در بین کشورها از نظر تشکیلات سازمانی، ایدئولوژی سیاسی حاکم و سلیقه تاریخی متفاوت است. با وجود ساختارهای اداری متفاوت، در دهه‌های اخیر، حکومت محلی روستایی در بیشتر کشورها در معرض تحول چشمگیری بوده است. مدیریت روستایی از دوره پدرسالاری در اوایل قرن بیستم به دوره دولت‌گرا در اواسط قرن بیستم و به یک دوره جدید حکمروایی در قرن بیست و یکم متحول شده است (وودز، ۱۳۹۰: ۲۶۸). رشد اقتصادی، بهبود شرایط اجتماعی، حفاظت از ارزش‌های طبیعی، همه به طور یکسان از ویژگی‌های مهم توسعه پایدار روستایی است که باید از طریق رویکرد پایین به بالا و استفاده پایدار مشارکتی از منابع محلی حاصل شود (Pugliese, 2001: 114).

مدیریت، زیرساخت و برنامه سه عنصر مهم مدیریت روستایی در دستیابی به اهداف عمده آن است (Sayahi Kashi, 2002: 159). مدیران روستایی از طریق هدایت و ظرفیت‌سازی در جوامع روستایی می‌توانند در دستیابی به توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی و محیطی در روستاها اقدام کنند (Tanguay et al, 2010: 408). امروزه شاهد حضور تشکیلات دولتی برای ساماندهی امور روستائیان به جای مدیریت سنتی مالک و کدخدا در روستاها می‌باشیم. این تحولات را می‌توان در پنج مرحله بررسی کرد: تا پیش از مشروطیت؛ از مشروطیت تا جنگ جهانی دوم؛ از جنگ جهانی دوم تا اصلاحات ارضی؛ از اصلاحات ارضی تا انقلاب اسلامی و از انقلاب تاکنون؛ هر یک از این مراحل گویای سبکی از مدیریت است. عناصر و ویژگی‌های غالب مدیریت‌های پیچیده و چند بعدی گذشته را می‌توان به مواردی تقسیم کرد: داخلی بودن عوامل مدیریت؛ تأمین هزینه‌ها توسط ساکنان؛ روابط استثماری بین مالک و زارع و عقب‌ماندگی علمی - فنی جامعه روستایی (طالب، ۱۳۷۶: ۵). بعد از جنگ جهانی دوم، دولت‌ها به تدریج سعی در دخالت در امور روستاها داشتند و با تصویب برنامه‌هایی فعالیت‌هایی را در چارچوب عملیات عمرانی و ارتقای سطح زندگی روستائیان انجام دادند. اما مدیریت سابق در دست مالکان و عوامل آن‌ها بوده است (طالب، ۱۳۷۶: ۸۱). اقدام بعدی دولت‌ها در جهت دخالت در امور روستاها اجرای قانون اصلاحات ارضی بود که موجب از هم‌پاشیدگی نظام مدیریت روستایی مبتنی بر مالکان شد (صادق‌لو، ۱۳۹۹: ۸۵۸). در ادامه بعد از انقلاب اسلامی، خلأ مدیریت موقتی در روستاها پیش آمد تا این که با تشکیل نهادهای جهاد سازندگی و بنیاد مسکن زمینه ارتباط با روستاها پدید آمد و در سال ۱۳۶۱، مدیریت روستایی به شوراهای اسلامی روستایی واگذار شد (افراخته، ۱۳۸۸: ۱۰۵). مشکلات مختلف مدیریت روستایی پس از انقلاب اسلامی باعث شد در سال ۱۳۷۷، با تصویب قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور، به وزارت کشور اجازه داده می‌شود به منظور اداره امور روستاها، سازمان دهیاری را با توجه به موقعیت محل و با درخواست اهالی و به صورت خودکفا با شخصیت حقوقی مستقل در روستاها تأسیس کند (امینی و جمینی، ۱۳۹۳: ۱۸۰). به طور کلی مدیریت از جمله عوامل اساسی برای توسعه روستایی است که رفع موانع و چالش‌های تحقق این امر نیز از جمله ضرورت‌های انجام این تحقیق است.



شکل (۱): مدل مفهومی تحقیق

منبع: محققان، ۱۳۹۹

اهمیت موضوع مدیریت در جوامع مختلف بر هیچکس پوشیده نیست زیرا امکانات و منابع محدود است و برای استفاده درست و بهینه از امکانات، دانش مدیریت از ضروریات است. در زمینه مدیریت روستایی در ایران مطالعاتی انجام شده که می‌توان به سه شکل متفاوت تقسیم کرد. مطالعاتی که تنها به مطالعه روند تاریخی مدیریت در روستا پرداخته‌اند، مانند کتاب مهدی طالب که به روند تاریخی مدیریت روستا از قبل مشروطیت تا زمان حاضر پرداخته و جایگاه وظایف و قوانین مرتبط با آن را در سطوح قوانین کشوری مورد بررسی قرار داده است. شکل دوم، کتاب‌هایی مانند برنامه‌ریزی روستایی در ایران (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲)؛ مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران (رضوانی، ۱۳۸۸)؛ مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران (حسینی ابری) و ... که در آن‌ها ضمن پرداختن به مطالعات روستایی، در بخش‌هایی نیز به بررسی سیر تاریخی و قوانین مدیریت پرداخته‌اند (فراهانی، ۱۳۹۰: ۱۲۱). اما شکل سوم، بررسی مدیریت روستایی، بررسی‌هایی است که در موضوعات تحقیقی به آن پرداخته شده است. این بخش طبیعتاً بیشترین نمود را در مطالعات مدیریت روستایی در کشورمان دارد که در ادامه به فراخور موضوع، به مواردی از آن اشاره می‌شود.

بدری (۱۳۹۶) در تحقیق خود به واکاوی چالش‌های مدیران محلی در مناطق روستایی شهرستان دشتی، بخش کاکلی، می‌پردازد. او در تحقیق خود از روش‌های کمی استفاده می‌کند و جامعه تحقیق او نیز شامل، مردم محلی، دهیاران، شوراهای اسلامی و تعدادی نیز از کارمندان دستگاه‌های اجرایی بودند. نتایج تحقیق او مشخص کرد که بیشترین مسائل مدیران در بخش اجتماعی و کمترین چالش آنان در شاخص‌های کالبدی است. در مطالعه دیگر، صیدایی و همکاران (۱۳۹۳)، عملکرد مدیران روستایی را در توسعه روستایی بررسی می‌کنند. نتایج این بررسی نیز از سوی آنان بدین ترتیب است که آنان، عملکرد مدیران را در توسعه روستایی ضعیف و تنها در بعد اجتماعی عملکرد مدیران را مطلوب ارزیابی می‌کنند. یا در مطالعه دیگری نصیری لاکه (۱۳۹۸)، مدیریت نوین روستایی و توسعه محیطی-اکولوژیکی و کالبدی-فضایی روستایی را در ناحیه مرکزی گیلان بررسی می‌کنند. نتایج تحقیق آنان نیز مؤید این موضوع است که بهبود نظام مدیریت نوین روستایی بر توسعه کالبدی-فضایی روستا مؤثر بوده است. همچنین در مطالعه دیگر شفیع ثابت و همکاران (۱۳۹۹)، رویکرد مدیریت روستایی و تحولات فضایی را در استان سمنان بررسی می‌کنند. آنان ضمن تأیید اهمیت مدیریت



روستایی بر تحولات فضایی ناحیه روستایی مورد مطالعه، نتایجی را نیز بیان می‌دارند که کم توجهی به تسهیل‌کننده‌های «توانمندسازی مولد» ذی‌نفعان محلی و همچنین عدم تعادل یکپارچه ساختاری- کارکردی در فرآیند مدیریت روستایی، باعث پایین ماندن سطح تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه شده است. این تحقیقات، بررسی‌هایی هستند که ارتباط نزدیکی از نظر موضوع و روش‌شناسی به تحقیق حاضر داشتند، البته پیداست که مطالعات متعددی نیز در ارتباط با مدیریت روستایی انجام شده که نقش و اهمیت مدیران روستایی را در توسعه اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی تأیید کرده‌اند.

در مطالعات خارجی نیز موضوع مدیریت در نواحی روستایی مورد توجه بوده است. کاکامبا^۱ (۲۰۱۰)، در تحقیق خود، عدم تمرکز و مکانیسم‌های مشارکتی را در حکومت محلی در اوگاندا را برای بهبود روند توسعه روستایی بررسی می‌کند. نتیجه‌گیری آنان این است که برای رسیدن به اهداف اصلی تمرکز زدایی و مشارکت در توسعه روستایی نیاز به تقویت نقش جامعه محلی در بسیج منابع محلی است. در مطالعه دیگر جین اوم^۲ (۲۰۱۱)، مدیریت و توسعه روستایی را بر پیوند و هم‌افزایی و ارتباط بیشتر دو بخش دولتی و ذی‌نفعان محلی می‌داند و همچنین لاول^۳ (۲۰۱۴) در تحقیق خود که بررسی و عملکرد دولت محلی را در ناحیه روستایی خود مورد توجه قرار می‌دهد، بدین نتیجه می‌رسد که دولت محلی در پاسخ به تأمین زیرساخت‌های روستایی و بهبود آن ضعیف عمل کرده است و در مناطقی که زیرساخت‌های روستایی بهبود یافته مردم با مشکلات زیست‌محیطی رو به رو هستند. یا لندینی و همکاران^۴ (۲۰۱۷)، در تحقیق خود بر این نکته تأکید می‌کنند که فقدان زمینه‌های مرتبط با کار گروهی نظیر (آموزش همگانی) باعث شده تا میزان اعتماد همکاری و به اشتراک گذاشتن مشکلات در مدیریت روستا نادیده گرفته شود.

با توجه به نتایج بررسی، روشن است برای این که برنامه‌ها و هزینه‌های صورت گرفته در مناطق روستایی موجب توسعه در این مناطق گردد باید ابتدا مسائل، مشکلات و موانع توسعه در این مناطق شناسایی و مورد توجه قرار بگیرد. طبیعتاً این نخستین هدف برای تحقق توسعه روستایی خواهد بود. از سوی دیگر رفع موانع توسعه و استفاده از توانایی، تجارب و استعدادها روستائیان نیز در جهت توسعه، موجب تقویت مشارکت آنان در اهداف و برنامه‌های توسعه روستایی خواهد شد. بدین ترتیب، تحقیق با توجه به این موضوع ضعف‌های عملکردی مدیران را که یکی از مسائل و موانع تحقق اهداف توسعه روستایی بوده را مورد توجه قرار می‌دهد. سپس براساس تجارب و دیدگاهی که ساکنین نسبت به این موانع دارند، به بررسی و ارزیابی مهمترین موانع تحقق توسعه، در نواحی روستایی مورد مطالعه می‌پردازد.

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق به لحاظ روش در زمره تحقیقات کیفی- کمی و بر مبنای هدف، از نوع کاربردی است. همچنین از حیث امکان کنترل متغیرها، از نوع تحقیقات شبه تجربی است. در بخش کیفی تحقیق نمونه‌گیری برای انجام مصاحبه به صورت تصادفی و انتخابی از میان ساکنان مردم محلی انجام شد. جمع‌آوری اطلاعات نیز تا رسیدن به اشباع نظری ادامه و اطلاعات به دست آمده آن در مکس کیودا^۵ بررسی شد. نتایج آن، ۴۳ واحد معنایی بود که پس از کدگذاری و طبقه‌بندی آن، این معیارها در ۲۶ معیار و ۴ بعد کلی طبقه‌بندی گردیدند، جدول (۱). این معیارها مهمترین عملکرد مدیریتی مدیران در ناحیه روستایی هستند که از نظر جامعه محلی نقش مهمی در توسعه ناحیه روستایی داشته است.

^۱ Kakumba

^۲ Jin Eom

^۳ Lawal

^۴ Landini et al

^۵ MAXQDA.2020

جدول (۱): عوامل و معیارهای ارزیابی عملکرد مدیران در توسعه مناطق روستایی

ابعاد	معیارها(مقوله‌ها)	کد	واحد‌های معنایی(خرده مقوله‌ها)
اداری-سازمانی	تأمین و توزیع مناسب اعتبارات مالی	A1	تأمین مناسب اعتبارات مالی
	توجه به اولویت‌ها و مسائل روستایی	A2	شناسایی و اولویت‌بندی مسائل روستایی
	داشتن مدیران متخصص در امور روستایی	A3	شناخت مناسب مدیران از نواحی روستایی
	تاکید بر مشارکت میان مدیران	A4	وجود مدیران متخصص در امور روستایی
	تنظیم قوانین مناسب برای انتخاب مدیران	A5	توجه به نظرات مردم محلی در برنامه‌ها
	شناخت و آگاهی مدیران از وظایف و فعالیت	A6	همکاری مناسب میان مدیران برای اجرای برنامه‌ها
	داشتن برنامه مشخص برای توسعه روستایی	A7	تجربه علمی و فعالیتی مدیران
	تسهیل در اجرای سازوکارهای قانونی طرح هادی	A8	شناخت و آگاهی مدیران نسبت به وظایف و فعالیت‌هایشان
اجتماعی	توجه به مشارکت و همکاری روستاییان	B1	توجه به اهمیت رفع چالش‌های توسعه روستایی
	تعدد و کم‌جمعیت بودن نواحی روستایی	B2	داشتن برنامه مشخص برای توسعه روستایی
	اعتماد مردم نسبت به مدیران محلی	B3	تنظیم قوانین مناسب برای اجرای طرح هادی
	مشارکت مردم با مدیران در برنامه‌های توسعه	B4	اجرای به موقع طرح هادی روستایی
	توجه به مشارکت ساکنین در برنامه‌های توسعه	B5	توجه به مشارکت و همکاری در میان روستاییان
	ارتباط مؤثر و همکاری میان مدیران	B6	تعدد بسیار بالای مراکز جمعیتی(نواحی روستایی)
	یکپارچگی و مالکیت مشخص اراضی	B7	کم جمعیت بودن نواحی روستایی
اقتصادی	مشارکت بخش خصوصی برای ایجاد فرصت‌های شغلی	C1	توزیع جغرافیایی بسیار زیاد نواحی روستایی
	توجه مناسب به گردشگری و توسعه صنایع دستی	C2	اعتماد مناسب مردم نسبت به مدیران محلی
	تأمین مناسب اراضی برای برنامه‌های توسعه	C3	مشارکت مناسب مردم با مدیران در برنامه‌های توسعه
	اولویت داشتن توسعه فعالیت‌های اقتصادی	C4	توجه به مشارکت مردم محلی در برنامه‌های توسعه
	توجه به منافع اقتصادی روستا	C5	ارتباط مؤثر و همکاری میان مدیران محلی
	مقاوم‌سازی مسکن ناحیه روستایی	D1	خرید بودن اراضی کشاورزی
	اجرای مناسب طرح هادی	D2	مالکیت سنتی کاربری‌های کشاورزی و سکونت
	برنامه مشخص برای توسعه فیزیکی و تملک اراضی	D3	تشویق بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در فعالی ها
کالبدی	توسعه خدمات ایمنی در ناحیه روستایی	D4	سهولت در ایجاد کسب و کارهای اقتصادی
	ساماندهی مناسب کاربری‌های عمومی در روستا	D5	توسعه فعالیت‌های اقتصادی با توانمندی‌های ناحیه روستایی
	توسعه شبکه‌های معابر روستایی	D6	استفاده از دانش مردم محلی در توسعه فعالیت‌های اقتصادی
			سرمایه‌گذاری در بخش‌های گردشگری ناحیه روستایی
			توسعه و معرفی صنایع و فرهنگ بومی ناحیه روستایی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹



در نهایت، این واحدهای معنایی اساس طراحی پرسشنامه به صورت طیف لیکرت بود. روایی و محتوای پرسشنامه تهیه شده نیز توسط پنل متخصصان پس از ساده‌تر شدن برخی از سؤالات و گویه‌ها تأیید گردید. پایایی پرسشنامه نیز برای ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹۶ به دست آمد، که بیانگر مناسب بودن ابزار تحقیق برای اندازه‌گیری موضوع مورد بررسی است. پرسشنامه نیز به صورت تصادفی در میان جامعه نمونه مورد بررسی که شامل ۲۳۰ نمونه (برحسب فرمول کوکران) از ساکنین نواحی روستایی دهستان دولت آباد بود توزیع گردید. حجم نمونه برای نواحی روستایی به صورت تناسب و برحسب تعداد خانوارهای روستایی در این نواحی بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از SPSS و لیزرال^۱ بهره گرفته شد. بدین صورت که از تحلیل عاملی به عنوان تکنیک تحلیل چند متغیره برای ارزیابی عواملها و برای نشان دادن معناداری آنها از آماره T استفاده شد. دلیل انتخاب این برنامه آماری نیز در تحقیق به دلیل منسجم بودن و تحلیل مناسب روابط بین متغیرهای مشاهده شده و متغیرهای پنهان است. در واقع لیزرال به نوعی شبیه رگرسیون چند گانه است که از این نوع ابزار به منزله روشی قدرتمند برای ارزیابی تعامل بین متغیرها، روابط غیرخطی بین آنها، روابط بین متغیرهای مستقل و لحاظ کردن خطاهای اندازه استفاده می‌شود (موسوی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۳).

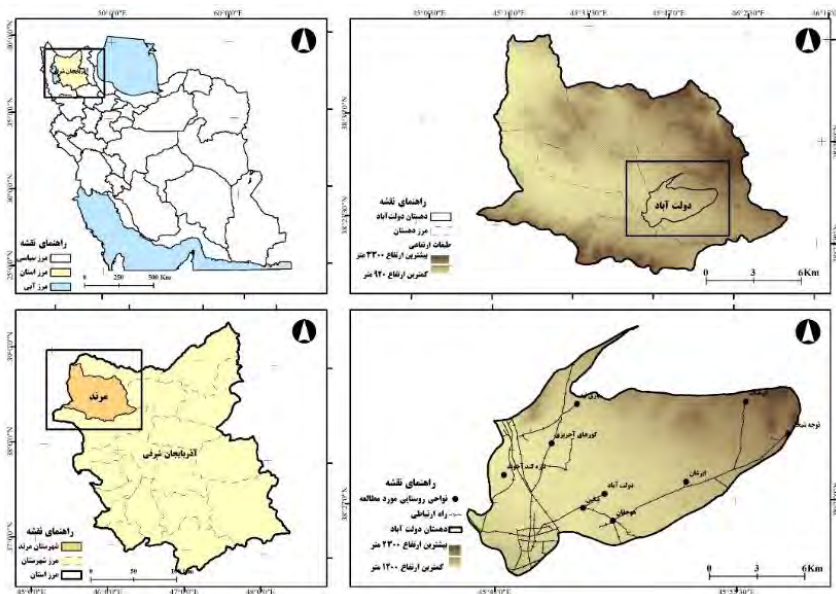
جدول (۲): توزیع پرسشنامه برای هر یک از نواحی روستایی مورد مطالعه

روستا	جمعیت	فراوانی (%)	خانوار	فراوانی (%)	توزیع پرسشنامه
تازه کند آخوند	۲۴۵۰	۲۰/۱	۶۸۱	۱۸/۶	۴۳
ساری تپه	۵۵۸	۴/۶	۱۴۹	۴/۱	۹
کوهناب	۱۲۹	۱/۱	۳۵	۱	۲
مجتمع کوره‌های آجر پزی	۶۳	۰/۵	۱۶	۰/۴	۱
دولت آباد	۳۸۶۸	۳۱/۸	۱۱۸۵	۳۲/۴	۷۴
هوجقان	۱۷۰۵	۱۴	۵۶۸	۱۵/۵	۳۶
بنگین	۱۲۱۴	۱۰	۳۷۵	۱۰/۲	۲۴
ابرقان	۲۰۲۲	۱۶/۶	۶۰۰	۱۶/۴	۳۸
نوجه ده شیخ‌لر	۱۶۱	۱/۳	۵۲	۱/۴	۳
جمع	۱۲۱۷۰	۱۰۰	۳۶۶۱	۱۰۰	۲۳۰

منبع: سرشماری آماری استان آذربایجان شرقی، ۱۳۹۵

منطقه مورد مطالعه در تحقیق نیز، دهستان دولت آباد از دهستان‌های شهرستان مرنند در استان آذربایجان شرقی است. این دهستان در بخش مرکزی شهرستان مرنند قرار دارد و براساس آخرین سرشماری کشور (۱۳۹۵)، این دهستان ۹ نقطه روستایی که روستای دولت آباد، پرجمعیت‌ترین روستای آن است. فعالیت‌های کشاورزی و مهمترین آن باغداری از جمله مهمترین فعالیت‌های اقتصادی ساکنین این نواحی روستایی است. وجود مناطق گردشگری، آب و هوای مطبوع و بسیاری از منابع طبیعی در این نواحی، موجب گردیده تا این مناطق در زمره مناطق هدف برای توسعه روستایی قرار بگیرند و این در حالی است که، این مناطق علی‌رغم داشتن توانمندی‌های محیطی و اقتصادی-اجتماعی، به دلیل موانع و مسائل مدیریتی از سوی مدیران محلی، از سطح توسعه کمتری برخوردار هستند. همین امر در کنار برخی از جاذبه‌های جمعیتی برای اشتغال پایدار و تأمین درآمد کافی در مناطق شهری، موجب گردیده تا بسیاری از نیروی انسانی آن در نواحی شهری به فعالیت بپردازند و بخش بیشتری از سرمایه انسانی و اقتصادی این نواحی، جاذب مناطق شهری گردد. در شکل (۲)، موقعیت جغرافیایی دهستان مرنند و نواحی روستایی مورد مطالعه مشخص شده است.

^۱- LISREL

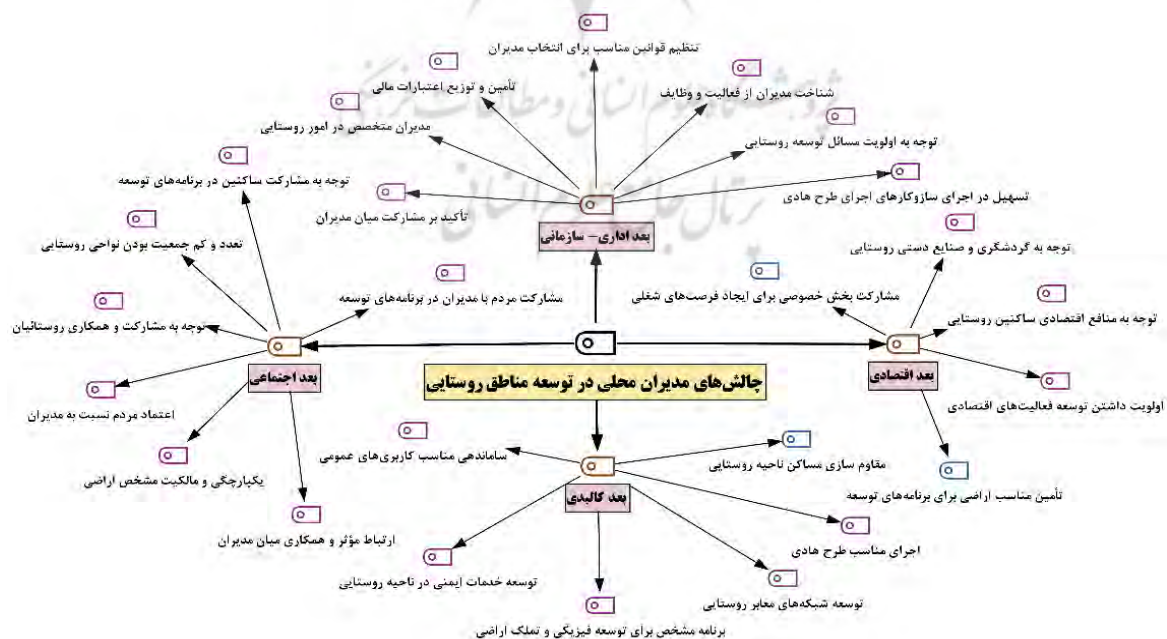


شکل (۲): موقعیت جغرافیایی نواحی روستایی مورد مطالعه در تحقیق

نتایج و بحث

یافته‌های توصیفی

در تمام عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی و در راستای توسعه سرزمینی، مدیریت امری اجتناب‌ناپذیر است. همین امر نیز ضرورت توجه به مدیریت در مناطق روستایی را به امری بی‌بدیل نموده که قطعاً رفع کم و کاستی‌های آن از اهم فعالیت‌ها خواهد بود. نتایج بخش اول تحقیق، شناسایی عوامل و معیارها (چالش‌ها) از سوی جامعه محلی بود، شکل (۳).



شکل (۳): عوامل عملکردی مدیران محلی در توسعه مناطق روستایی (MAXQDA.2020)



چالش‌های مدیران در چهار دسته کلی بعد اداری- سازمانی، اجتماعی، اقتصادی و بعد کالبدی قرار دارد. در بعد اداری- سازمانی، بیشتر چالش‌های تنظیم قوانین مدیریتی، تخصص و توزیع مناسب منابع مالی؛ در بعد اجتماعی بیشتر بر مشارکت و هماهنگی مدیران با مردم محلی؛ در بعد اقتصادی نیز بر جنبه‌های مورد توجه قرار گرفتن منافع اقتصادی ساکنین روستایی و همچنین در بعد کالبدی نیز بیشتر بر چالش‌های خدماتی و عمرانی مدیران در نواحی روستایی مورد مطالعه اشاره گردیده است. پس از شناسایی معیارهای مورد نظر، این معیارها در پرسشنامه تخصصی توسط ۲۳۰ نمونه از جامعه مورد مطالعه ارزیابی شدند. در این بررسی با توجه به اهمیت موضوع، سعی گردید ضمن انتخاب تصادفی نمونه‌ها، تا حد ممکن ارزیابی معیارها توسط تمام گروه‌های جامعه روستایی انجام شود. ویژگی‌های فردی پاسخگویان نشان می‌دهد که از بین ۲۳۰ نمونه آماری، جنسیت مردان، وضعیت متأهل و سطح تحصیلات دبیرستان بیشترین فراوانی را داشته است. بیشتر پاسخگویان در گروه سنی ۶۰ - ۴۰ سال بوده و همچنین گروه شغلی فعالیت‌های باغداری نیز، فعالیت بیشتر پاسخ‌دهندگان بوده است (جدول، ۳).

جدول (۳): مشخصات فردی پاسخگویان

جنسیت	فراوانی	درصد	وضعیت تأهل	فراوانی	درصد	شغل	فراوانی	درصد
مرد	۱۷۶	٪ ۷۶/۵	متأهل	۱۸۴	٪ ۸۰	زراعت	۳۸	٪ ۱۶/۵
زن	۵۴	٪ ۲۳/۵	مجرد	۴۶	٪ ۲۰	باغداری	۹۸	٪ ۴۲/۶
تحصیلات	فراوانی	درصد	گروه سنی	فراوانی	درصد	دامداری	۲۸	٪ ۱۲/۲
ابتدایی	۸	٪ ۳/۵	کمتر از ۲۰ سال	۱۱	٪ ۴/۸	خانه‌دار	۲۹	٪ ۱۲/۶
راهنمایی	۲۴	٪ ۱۰/۴	۲۰ تا ۴۰ سال	۳۲	٪ ۱۳/۹	دولتی	۱۱	٪ ۴/۸
دبیرستان	۱۰۶	٪ ۴۶/۱	۴۰ تا ۶۰ سال	۱۵۶	٪ ۶۷/۸	سایر و بدون شغل	۲۶	٪ ۱۱/۳
دیپلم	۷۳	٪ ۳۱/۷	بیشتر از ۶۰ سال	۳۱	٪ ۱۳/۵	تعداد کل نمونه = ۲۳۰		
دیپلم و بالاتر	۱۹	٪ ۸/۳	-	-	-			

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

یافته‌های تحلیلی

برای ارزیابی عملکرد مدیران در ناحیه روستایی مورد مطالعه، از معادلات ساختاری استفاده شد. این روش، یک تحلیل چند متغیره بوده که به طور همزمان مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را انجام می‌دهد و آن همچنین روشی است که در آن الگوهای فرضی از ارتباطات مستقیم و غیرمستقیم در میان یک مجموعه از متغیرهای مشاهده شده و پنهان بررسی می‌شوند. دلیل استفاده از این تحلیل، به دلیل سنجش مناسب و کارایی استفاده از این روش برای بررسی رابطه علی میان متغیرها بوده که می‌تواند به درستی نتایج تحقیق را بیان کند. در سوی دیگر با توجه به استفاده بیشتر از آن در نمونه‌های بیشتر از ۲۰۰، این روش انتخاب گردید. در این بررسی ابتدا از شاخص‌های برازندگی برای بررسی معیارها و ارزیابی اطلاعات تحقیق استفاده شد، در حالت ایده‌آل مقدار مربع کای باید دارای سطح معنی داری بیش از ۰/۰۵ باشد تا بتوان گفت مدل از برازش کامل برخوردار است، اما از آن جا که مقدار این آماره به حجم نمونه بسیار حساس است، معمولاً از شاخص نسبت کای اسکویر به درجه آزادی برای ارزیابی برازش مدل استفاده می‌شود که حد مطلوب آن کمتر از ۳ است. براساس نتایج بدست آمده، مقدار مربع کای برابر با ۲۰۰۹/۱۱ با درجه آزادی ۵۶۱ می‌باشد که در سطح خطای یک درصد معنی دار شده است. نتایج شاخص‌های بررسی باقی مانده کوواریانس و واریانس در بافت داده‌ها (SRBMR/RBMR) و همچنین شاخص GFI و سایر شاخص‌ها که حد مطلوب آن و مقدار گزارش شده مدل مورد نظر مشخص شده، می‌توان گفت که در مجموع مدل، از معیارهای برازش کلی قابل قبولی برخوردار بوده است، جدول (۴).

جدول (۴): نتایج میزان انطباق مدل اندازه‌گیری با شاخص‌های برازندگی

گزارش شده	حد مطلوب	شاخص‌های برازش مدل
۲۰۰۹/۱۱	-	مقدار کای اسکویئر (X^2)
۵۶۱	-	درجه آزادی (df)
۱/۸۱	≤ 3	نسبت کای اسکویئر به درجه آزادی (x^2/df)
۰/۰۶۷	$\leq ۰/۰۸$	ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب (RMSEA)
۰/۰۶	$RBMR \leq ۰/۰۵$	مجذور مقادیر باقیمانده (RMR)
۰/۵	$SRBMR \leq ۰/۰۵$	مجذور مقادیر باقیمانده استاندارد شده (SRMR)
۰/۸۵	$۰/۸۰ \leq GFI$	شاخص برازندگی (GFI)
۰/۹۱	$۰/۹۰ \leq CFI$	شاخص برازش تطبیقی (CFI)
۰/۹۵	$۰/۹۰ \leq NFI$	شاخص برازش نرم شده (NFI)
۰/۹۲	$۰/۹۰ \leq NNFI$	شاخص برازش نرم نشده (NNFI)
۰/۹۵	$۰/۹۰ \leq IFI$	شاخص برازندگی فزاینده (IFI)

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

ارزیابی روایی روش اندازه‌گیری با استفاده از بارهای عاملی، آماره t و میانگین واریانس استخراج شده (AVE) و پایایی روش اندازه‌گیری، با استفاده از ضریب پایایی ترکیبی (CR) انجام شد، جدول (۵).

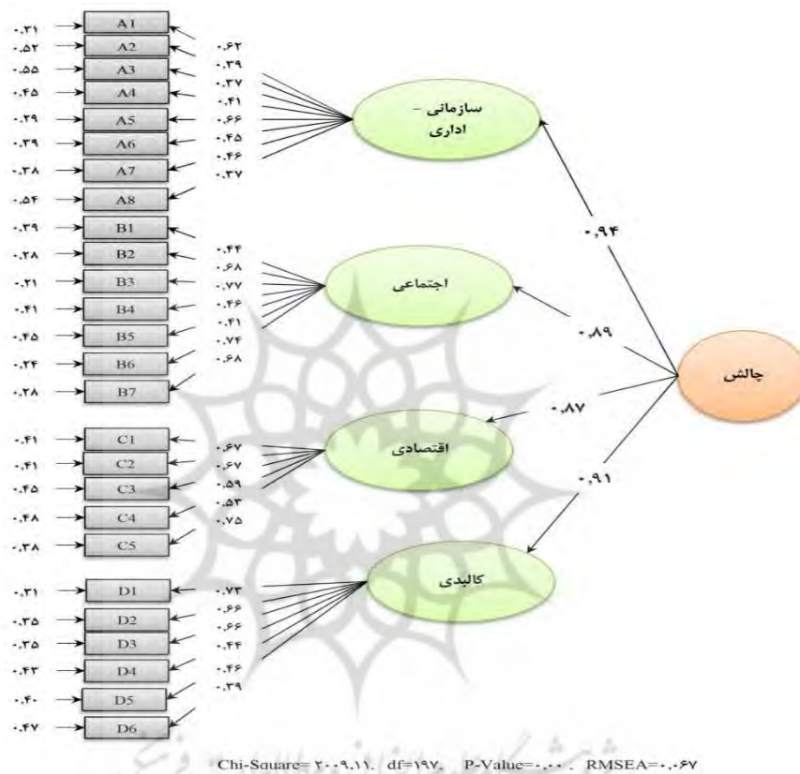
جدول (۵): ارزیابی عملکرد مدیران در توسعه مناطق روستایی از نظر ساکنان محلی روستاها

AVE	CR	R2	آمار t	بار عاملی استاندارد شده	خطای استاندارد	مقدار خطای اندازه‌گیری	معیارها	ابعاد
۰/۶۴۲	۰/۹۴۷	۰/۷۳	۱۲/۰۲	۰/۶۲	۰/۰۵۶	۰/۳۱	A1	آزادی-سازمانی
		۰/۶۰	۱۱/۶۵	۰/۳۹	۰/۰۷۵	۰/۵۱	A2	
		۰/۶۷	۱۱/۹۹	۰/۳۷	۰/۰۷۸	۰/۵۵	A3	
		۰/۶۱	۱۰/۲۹	۰/۴۱	۰/۰۶۵	۰/۴۵	A4	
		۰/۷۷	۱۲/۶۲	۰/۶۶	۰/۰۸۰	۰/۲۹	A5	
		۰/۶۵	۱۱/۱۲	۰/۴۵	۰/۰۷۹	۰/۳۹	A6	
		۰/۶۸	۱۱/۸۷	۰/۴۶	۰/۰۷۷	۰/۳۸	A7	
		۰/۵۹	۱۱/۲۹	۰/۳۷	۰/۰۵۳	۰/۵۴	A8	
۰/۵۲۸	۰/۸۹۱	۰/۶۷	۱۱/۱۲	۰/۴۴	۰/۰۷۴	۰/۳۹	B1	اجتماعی
		۰/۷۷	۱۲/۶۳	۰/۶۸	۰/۰۸۹	۰/۲۸	B2	
		۰/۶۵	۱۲/۶۱	۰/۷۷	۰/۰۸۳	۰/۲۱	B3	
		۰/۶۹	۱۱/۸۳	۰/۴۶	۰/۰۷۷	۰/۴۱	B4	
		۰/۶۱	۱۰/۲۹	۰/۴۱	۰/۰۶۴	۰/۴۵	B5	
		۰/۸۷	۱۴/۰۹	۰/۷۴	۰/۰۹۵	۰/۲۴	B6	
		۰/۷۷	۱۲/۵۹	۰/۶۸	۰/۰۷۸	۰/۲۸	B7	
۰/۵۱۷	۰/۸۷۰	۰/۸۲	۱۳/۲۷	۰/۶۷	۰/۰۹۳	۰/۴۱	C1	اقتصادی
		۰/۷۳	۱۲/۳۹	۰/۶۷	۰/۰۵۷	۰/۴۱	C2	
		۰/۷۸	۱۲/۵۲	۰/۵۹	۰/۰۴۷	۰/۴۵	C3	
		۰/۷۲	۱۲/۲۲	۰/۵۳	۰/۰۵۵	۰/۴۸	C4	
		۰/۸۸	۱۴/۱۲	۰/۷۵	۰/۰۹۵	۰/۳۸	C5	
۰/۶۱۳	۰/۹۱۴	۰/۸۳	۱۳/۴۵	۰/۷۳	۰/۰۹۰	۰/۳۱	D1	کادری
		۰/۷۶	۱۲/۲۸	۰/۶۶	۰/۰۹۱	۰/۳۵	D2	
		۰/۷۶	۱۲/۶۳	۰/۶۶	۰/۰۷۸	۰/۳۵	D3	
		۰/۶۵	۱۱/۱۸	۰/۴۴	۰/۰۸۰	۰/۴۳	D4	
		۰/۶۸	۱۱/۸۷	۰/۴۶	۰/۰۷۷	۰/۴۰	D5	
		۰/۳۹	۱۱/۲۹	۰/۳۹	۰/۰۴۴	۰/۴۷	D6	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹



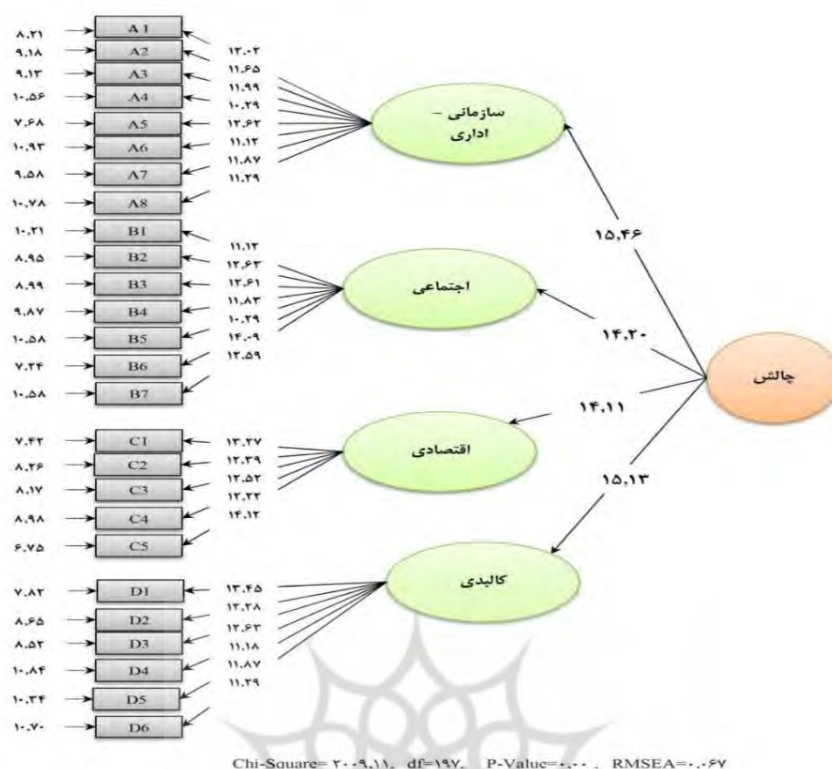
مقدار خطای اندازه‌گیری شده سوالات و متغیرهای پرسشنامه که برای اصلاح مدل و بهبود شاخص‌ها استفاده شده که به دلیل کمتر بودن آن از ۰/۵ از حد قابل قبولی برخوردار است. مقدار آمار t برای همه معیارها بیشتر از ۱/۹۶ است که حاکی از وجود رابطه معنی‌دار بین معیارها و عامل‌ها است. بنابراین، همه معیارها از دقت لازم برای اندازه‌گیری سازه مربوط به خود برخوردار بوده و هر نشانگر فقط سازه مربوط به خود را اندازه‌گیری کرده و معیارها به درستی در قالب موانع کلیدی طبقه‌بندی شده‌اند. براساس مقادیر آماری به دست آمده که مهمترین نتایج تحلیل است، بیشترین بار عاملی برای عامل‌های اداری- سازمانی؛ کالبدی؛ اجتماعی و اقتصادی بوده است. بنابراین عامل اداری- سازمانی به عنوان مهمترین عامل برای عملکرد مدیران در توسعه مناطق روستایی مورد مطالعه است.



شکل(۴): ارزیابی عملکرد مدیران برای توسعه مناطق روستایی بر اساس بار عاملی متغیرها

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

در بین عوامل، برای عامل سازمانی- اداری، معیار تنظیم قوانین مناسب برای انتخاب مدیران (تجربه علمی و فعالیتی پایین مدیران) بیشترین مقدار بار عاملی را در میان معیارهای این عامل داشته است. در عامل کالبدی، معیار کلی مقاومسازی مسکن در ناحیه روستایی (تنظیم قوانین مناسب برای ساخت و سازهای روستایی و تأمین منابع مالی مناسب برای مقاومسازی مسکن)، بیشترین بار عاملی را داشته است. در عامل اجتماعی نیز معیار ارتباط مؤثر و همکاری میان مدیران و در عامل اقتصادی نیز معیار توجه به منافع اقتصادی روستا، مهمترین معیارها بوده‌اند که بیشترین بار عاملی را داشته‌اند.



شکل (۵): ارزیابی عملکرد مدیران برای توسعه مناطق روستایی براساس ضریب معنی‌داری متغیرها

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

نتیجه‌گیری

دانش مدیریت و به خصوص هدایت و رهبری، موضوعی است که همواره با زندگی اجتماعی انسان و حتی قبل از آن مطرح بوده است. بنابراین مدیریت یک پدیده تازه و نو نیست و تاریخ آن به گذشته پیدایش انسان و زندگی اجتماعی اولیه او بر می‌گردد. اما در ارتباط با مدیریت، آن چه که امروزه باعث شده تا این مفهوم بیش از پیش مورد توجه برنامه‌ریزان ملی و منطقه‌ای قرار بگیرد، نقش آن در ساماندهی و تحقق اهداف توسعه در مناطق روستایی است. مشخص است که مدیریت روستایی از ارکان اصلی و جدانشدنی توسعه روستایی می‌باشد، زیرا در نبود مدیریت سازماندهی شده در نواحی روستایی برنامه‌های توسعه نیز با مشکلات بیشماری مواجه خواهند شد. ادبیات گذشته نشان می‌دهد که پس از گذشت چند دهه و بسط مفهوم مدیریت روستایی و انجام سیاست‌گذاری‌های نهادی و سازمانی برای تحقق مدیریت مناسب، همچنان مدیریت روستایی از سوی مدیران، با مسائل و مشکلاتی همراه بوده است. نمود آن نابرابری و عدم تحقق اهداف توسعه در نواحی روستایی بوده و این در حالی است که اقدامات و فعالیت‌های مناسب از سوی مدیران (بخشداری، بنیاد مسکن، دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی)، می‌تواند ضمن ارتقاء نقش و جایگاه آنان برای تهیه و اجرای طرح‌های توسعه روستایی، موجب توسعه مناطق روستایی نیز گردد. در ناحیه روستایی مورد مطالعه، ۹ روستا دارای شورای اسلامی و دهیاری هستند که انتخاب آنان از سوی بخشداری و فعالیت و برنامه‌های آنان در کنار بنیاد مسکن موجب انجام برخی از فعالیت‌های اجرایی در این نواحی شده است. این مدیران حلقه اصلی و ارتباطی مردم محلی با نهادهای بالادستی هستند که طبیعتاً نقش با اهمیتی نیز در پیشرفت و توسعه ناحیه روستایی دارند. با این حال آنچه که بررسی تحقیق مشخص کرد، این مدیران در بیشتر موارد از تخصص مدیریتی، تجربه و شناختی کافی از مسائل روستایی ندارند. بیشترین منابع مالی برای نواحی روستایی پرجمعیت پرداخت شده و مدیران در این نواحی عملکرد مطلوب‌تری داشتند، در این بخش نعمتی و بدری (۱۳۸۶)، در تحقیق خود عملکرد مدیران در مناطق پرجمعیت را مطلوب ارزیابی می‌کنند. توجه نکردن



به توانمندی‌های ناحیه روستایی و توسعه اقتصادی، همچنین توجه پایین به مشارکت مردم، خدمات پایین روستایی از جمله چالش‌های اصلی در ناحیه روستایی بوده است. البته توزیع جغرافیایی بسیار، تعداد کم جمعیت و خرد و یکپارچه نبودن مالکیت اراضی نیز از چالش‌های دیگر برای توسعه در این نواحی بوده به طوری که سازماندهی و مدیریت محلی و یکپارچه کردن مدیریت ساکنین از جمله رویکردهای مطلوب در توسعه روستایی بوده که در تحقیق بادی بانگا و همکاران (۲۰۱۳) و رشید پور و همکاران (۲۰۱۱) نیز این امر مورد توجه قرار می‌گیرد.

عملکرد مدیران در ۴ بعد اصلی، اداری- سازمانی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مورد توجه قرار گرفت. مهمترین عملکرد مدیران در ناحیه روستایی به ترتیب عامل‌های، اداری- سازمانی، کالبدی، اجتماعی و اقتصادی بودند. در هر یک از این عوامل، معیارهایی نیز بیشترین بار عاملی را داشتند. در عامل اداری- سازمانی، معیار تجربه تخصصی، توان مدیریتی و فعالیتی مدیران محلی مهمترین چالش بوده است. بدیهی است که آگاهی از قواعد و قوانین و تجربه مدیریتی از جمله مهمترین پیش‌بینی کننده‌های توسعه روستایی است که تحقیق صیدیایی و همکاران (۱۳۹۳) نیز این یافته تحقیق را تأیید می‌کنند. در عامل کالبدی معیار کلی مقاومسازی مسکن در ناحیه روستایی که خود شامل زیرمعیارهای تنظیم قوانین مناسب برای ساخت و سازهای روستایی و تأمین منابع مالی مناسب برای مقاومسازی مسکن، بیشترین بار عاملی را داشته است. در عامل اجتماعی نیز معیار ارتباط مؤثر و همکاری میان مدیران و مردم محلی بیشترین اهمیت را داشته است. در ارتباط با این معیار مشخص است که ارتباط دو سویه و متقابل مدیران و مردم محلی موجب مدیریت مشارکتی خواهد شد. این معیاری است که ادبیات توسعه نیز نقش آن را در تحقق اهداف توسعه بسیار مهم می‌داند. در عامل اقتصادی نیز معیار توجه به منافع اقتصادی روستا، مهمترین معیارها بوده که بیشترین بار عاملی را داشته است. به طور کلی یافته‌های تحقیق چالش‌هایی را از سوی مدیران در توسعه مناطق روستایی مشخص کرد. البته موضوع تحقیق تنها بررسی چالش مدیران در ناحیه روستایی بود، اما عملکرد مدیران محلی در برخی از نواحی به خصوص در زمینه کالبدی- فضایی مناسب بوده و در واقع مناسب‌ترین عملکرد آنان بر توسعه کالبدی بوده است. این بخش نیز در تحقیق نصیری لاکه (۱۳۹۸)، بدری (۱۳۹۶)، قنبری و بهرامی (۱۳۹۵) و مهدوی و نجفی کانی (۱۳۸۴) مورد تأیید قرار می‌گیرد، آنان نیز در تحقیق خود چالش مدیران را در نواحی روستایی در بخش کالبدی کمتر ارزیابی می‌کند. احداث و ایجاد معابر جدید در روستا، بهسازی و نوسازی معابر، ایمن‌سازی واحدهای مسکونی و ... از جمله فعالیت‌های مدیران در نواحی روستایی مورد مطالعه بوده است. با این حال نتایج تحقیق پیشنهادات زیر را برای تحقق مدیریت مناسب مدیران در ناحیه روستایی بیان می‌کند:

- ظرفیت‌سازی و توانمندسازی مدیران در ناحیه روستایی و آگاهی آنان از مسئولیت‌ها و مسائل مهم ناحیه روستایی.
- تحقق مدیریت مشارکتی و ارتباطات دوسویه میان مردم و مدیران در ناحیه روستایی مورد مطالعه.
- اصلاح نظام برنامه‌ریزی روستایی و محلی نمودن فرآیند آن با توانمندی‌های ناحیه روستایی.
- الگوسازی و مشخص ساختن عملکرد مناسب مدیران و بررسی فعالیت‌های ناکارآمد مدیران در تحقق اهداف توسعه.
- پایدار نمودن و اصلاح نظام‌های پرداخت مالی به مدیران محلی.
- توجه به پیشران‌های توسعه اقتصادی در ناحیه روستایی از جمله قطب‌های گردشگری و منابع معدنی.
- تسهیل در قوانین، ضوابط و دستوالعمل‌های اجرایی در طرح برنامه‌های توسعه روستایی (فعالیت‌های اقتصادی).
- و ایجاد شرایط و زمینه‌های مناسب برای توسعه خدمات اجتماعی در نواحی روستایی.

منابع

- استعلاجی، علیرضا (۱۳۹۰)، نقش دهیاری‌ها در توسعه روستایی. *مجله دانشنامه جغرافیا*، دوره ۳۴، پیاپی ۸۲، صص ۲۲-۱۵.
- افراخته، حسن (۱۳۸۸)، *مدیریت روستایی با تأکید بر ایران*، تهران: انتشارات گنج هنر.
- امینی، عباس؛ جمینی، داوود (۱۳۹۳)، تحلیلی بر ارزیابی جامعه روستایی از عملکرد نهاد دهیاری با استفاده از رویکرد معادلات ساختاری. *مجله تحقیقات جغرافیایی*، سال ۲۹، شماره ۲، صص ۱۹۶-۱۷۷.
- بدری، جواد (۱۳۹۶)، واکاوی چالش‌های مدیران محلی (دهیاران) در توسعه مناطق روستایی: مورد مطالعه بخش کاکي - شهرستان دشتی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- حسنلو، لیلا؛ عزیزپور، فرهاد؛ جلالیان، حمید (۱۳۹۶)، ارزیابی نقش مدیریت روستایی در پایداری روستاها مطالعه موردی: دهستان دستجرد (شهرستان طارم). *مجله جغرافیا و توسعه*، شماره ۵۲، صص ۱۷۴-۱۵۷.
- رضوانی، محمد رضا (۱۳۸۸)، *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران*. تهران: انتشارات: قومس، چاپ ۳.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ سجاسی قیداری، حمدالله؛ عینالی، جمشید (۱۳۸۶)، نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید نهادهای تأثیرگذار. *مجله روستا و توسعه*، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۳۰-۱.
- سعیدی، عباس (۱۳۸۹)، *میانی جغرافیای روستایی*. تهران: انتشارات سمت، چاپ ۳.
- شفیع‌ی ثابت، ناصر؛ رحمانی، بیژن؛ رهبری، مهناز (۱۳۹۹)، رویکرد مدیریت روستایی و تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی، مورد مطالعه: استان سمنان. *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، سال ۱۰، شماره ۳۵، صص ۲۸۰-۲۵۷.
- صادقلو، طاهره (۱۳۹۹)، تحلیل سبک مدیریت محلی در مناطق روستایی و تأثیر آن بر میزان مشارکت‌پذیری روستاییان (منطقه مورد مطالعه: روستاهای دهستان زرینگل شهرستان علی آباد). *مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۳، صص ۸۷۰-۸۵۱.
- صیدالی، محسن؛ صادقی؛ غلام؛ میرزایی گودرزی، زهرا (۱۳۹۰)، جایگاه مدیریت در پیشبرد اهداف توسعه روستایی مطالعه موردی: روستای جوانمردی (شهرستان لردگان). *مجله برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال ۱، شماره ۲، صص ۹۱-۷۹.
- صیدایی، سید اسکندر؛ جمینی، داود؛ جمشیدی، علیرضا؛ جمشیدی، معصومه (۱۳۹۳)، بررسی و تحلیل عملکرد مدیران نوین روستایی در توسعه روستایی (مطالعه موردی: منطقه اورامانات استان کرمانشاه). *مجله برنامه‌ریزی فضایی*، سال ۴، شماره ۴، صص ۲۴-۱.
- طالب، مهدی (۱۳۷۶)، *مدیریت روستایی در ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۲.
- طالب، مهدی (۱۳۷۶)، *مدیریت روستایی در ایران*. تهران: گزارش بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- عنابستانی، علی اکبر؛ حاتمی نژاد، حجت (۱۳۹۱)، مدیریت نوین روستایی و نقش آن در تحول مسکن با توجه به عملکرد دهیاران (مطالعه موردی: دهستان میشن خاص شهرستان ایلام). *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال ۲، شماره ۲، صص ۱۴۰-۱۲۱.
- فراهانی، حسین؛ آئین مقدم، فاطمه (۱۳۹۱)، ارزیابی عملکرد و کارایی دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی در فرآیند مدیریت توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان سررود جنوبی در شهرستان بویر احمد). *مجله چشم‌انداز (مطالعات انسانی)*، سال ۷، شماره ۱۸، صص ۱۲۷-۱۱۸.
- قنبری، سیروس؛ بهرامی، کیوان (۱۳۹۵)، مدیریت محلی و نقش آن در توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مورد مطالعه: شهرستان چناران)، *مجله برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال ۶، شماره ۲۲، صص ۱۴۶-۱۳۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، *سرشماری عمومی استان آذربایجان شرقی*.



- مطیعی لنگرودی، سید حسن (۱۳۹۲)، *برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران*، مشهد: انتشارات: جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ ۶.
- موسوی، میرنجف؛ ملکی نظام آباد، رسول؛ باقری کشکولی، علی (۱۳۹۳)، مدل‌سازی معدلات ساختاری نقش مساجد در توسعه گردشگری مذهبی (مطالعه موردی: مسجد جامع عتیق شیراز). *مجله مطالعات نواحی شهری دانشگاه شهید باهنر کرمان*، سال ۱، شماره ۱، صص ۱۷۱-۱۵۱.
- مهردوی، مسعود؛ نیجفی کانی، علی اکبر (۱۳۸۴)، دهیاری‌ها تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستایی مطالعه موردی دهیاری‌های استان آذربایجان غربی، *مجله پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۵۳، صص ۳۹-۲۱.
- نصیری زارع، سعید و ریاحی، وحید (۱۴۰۰)، تبیین نقش عوامل فضایی در استقرار الگوی بهینه مراکز خدمات روستایی مورد نواحی روستایی شهرستان طارم، *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی*، سال ۲۵، شماره ۷۵، صص ۲۷۸-۲۶۱.
- نصیری لاکه، محمد؛ مولایی هسجین، نصرالله؛ پور رمضان، عیسی (۱۳۹۸)، تحلیل نظام مدیریت نوین روستایی و توسعه محیطی-اکولوژیک و کالبدی- فضایی روستایی (مطالعه موردی: ناحیه مرکزی استان گیلان). *مجله نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، سال ۱۱، شماره ۳، صص ۲۴۴-۲۲۳.
- نعمتی، مرتضی؛ بدری، سید علی (۱۳۸۶)، ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی، مقایسه تطبیقی دهیاری‌های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ مورد گلستان، *مجله پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۵۹.
- وودز، مایکل (۱۳۹۰)، *جغرافیای روستایی فرآیندها، واکنش‌ها و تجربه‌های بازساخت روستایی*. ترجمه محمدرضا رضوانی و صامت فرهادی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- Badibanga, T., Ragasa, C., & Ulimwengu, J. (2013). Assessing the effectiveness of multistakeholder platforms: agricultural and rural management councils in the Democratic Republic of the Congo (Vol. 1258). Intl Food Policy Res Inst.
- Eom, S. J. (2011). Synergy between state and rural society for development: an analysis of the governance system of the rural Saemaul Undong in Korea. *Korea Observer*, 42(4), 583.
- Halseth, G., & Ryser, L. (2004). Building Rural Capacity in the New Economy: Service Provision in Rural and Small Town Canada-Cross-Canada Summary Report. *Social Sciences and Humanities Research Council of British Columbia*.
- Kai-ji, H. (2015). Village Welfare from the Perspective of Rural Good Governance. *Journal of Taiyuan University of Technology (Social Science Edition)*(1), 12 .
- Kakumba, U. (2010). Local government citizen participation and rural development: reflections on Uganda's decentralization system, *International Review of Administrative Sciences*. Sage Publications Sage UK: London, England, 76(1), 171-186.
- Landini, F., Vargas, G., Bianqui, V., y Rebolé, M. I. M., & Martínez, M. (2017). Contributions to group work and to the management of collective processes in extension and rural development. *Journal of rural studies*, 56, 143-155.
- Lawal, T. (2014). Local government and rural infrastructural delivery in Nigeria, *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*. Human Resource Management Academic Research Society, 4(4), 139.
- Loghman, R., Jamal, F. H. S., & Mahdi, M. S. (2011). Local community based management as a good governance approach to rural poverty reduction and sustainable development in Iran. *American-Eurasian J. Agric. & Environ. Sci*, 10(2), 174-179.
- Pugliese, P. (2001). Organic farming and sustainable rural development: A multifaceted and promising convergence, *Sociologia ruralis*. Wiley Online Library, 41(1), 112-130.

- Sayahi Kashi, J. (2002). A Country Papers for Islamic Republic of Iran, in *Report of the APO (Asian Productivity Organization) Seminar on Role of local communities and institutions in integrated rural development*, 15–20.
- Sriram, M. S. (2007). Rural management education in India: A retrospect.
- Tanguay, G. A., Rajaonson, J., Lefebvre, J. F., & Lanoie, P. (2010). Measuring the sustainability of cities: An analysis of the use of local indicators. *Ecological Indicators*, 10(2), 407-418.
- Teguh, Y. and Fitriyah, F. (2020). A Study of Leadership in the Management of Village Development Program: The Role of Local Leadership in Village Governance. International Research Association for Talent Development and Excellence.
- Thiede, B. C., Brown, D. L., Sanders, S. R., Glasgow, N., & Kulcsar, L. J. (2017). A demographic deficit? Local population aging and access to services in rural America, 1990–2010. *Rural sociology*, 82(1), 44-74.
- Tomashuk, I. (2017). Problems and prospects of management of rural development, *Baltic Journal of Economic Studies*, 3(5), 214–220.
- Wenchang, W. (2008). Rural Management–The Way Out for Tibetan Rural Areas, *Business and Public Administration Studies*, 3(3), 75–75.

